

## نمایه یا شاخص ترجمه برای زبان‌های فارسی و انگلیسی

اثر: دکتر حسین وثوقی  
استاد دانشگاه تربیت معلم تهران  
(از ص ۳۳۱ تا ۳۵۰)

### چکیده:

نمایه ترجمه، به طور کلی، از یک سری ساختارها، فرم‌ها و عناصر صوری زبان انگلیسی و فارسی تشکیل می‌شود که در فرایند ترجمه به طور پایا، ناخودآگاه و طبیعی از نظر صوری - معنایی معادل یک دیگر قرار می‌گیرند و می‌توانند به طور بالقوه معادل‌های کم و بیش ثابتی برای هم باشند و مجموعاً شاخصی را در کار ترجمه انگلیسی به فارسی فراهم آورند.

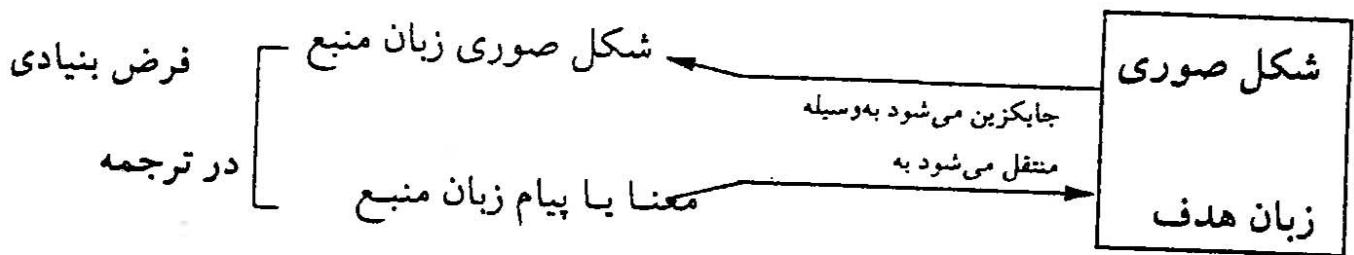
کشف، گردآوری و تنظیم این گونه ساختارها، فرم‌ها و عناصر صوری معادل دو زبان فارسی و انگلیسی می‌تواند مجموعه‌ای از الگوهای بر نهاده، آموزنده و سودمندی را تحت عنوان نمایه ترجمه به وجود آورد که آگاهی قبلی از آنها، کار ترجمه را مطمئن‌تر، آزموده‌تر و آسان‌تر می‌سازد و تسهیلات زیادی را برای تدریس و یادگیری مسائل ترجمه به بار می‌آورد.

در این تحقیق، سعی شده است شماری از این ساختارهای صوری انگلیسی که در فارسی معادل‌های پایا و کم و بیش ثابتی در ترجمه دارند، معرفی گردند و امکان تدوین یک چنین نمایه ترجمه برای دو زبان انگلیسی و فارسی به طور عینی و مشخص نشان داده شود.

واژه‌های کلیدی: نمایه، ترجمه، تطابق صوری، تطابق معنایی، فارسی.

مقدمه :

هرگاه پدیده زبان را در رابطه با فرایند ترجمه مورد توجه قرار دهیم، آن را متشکل از دو لایه یا دو قشر مجزا در نظر می‌گیریم: یکی فرم یا شکل صوری زبان و دیگری معنا یا پیام آن. تمایز این دو قشر زبان در مبحث ترجمه حائز اهمیت است چون ترجمه را فرایندی می‌دانند که طی آن فرم یا ساختار زبان هدف (target or receptor language) جایگزین فرم یا شکل صوری زبان منبع (source language) می‌گردد، اما معنا یا پیام زبان منبع ثابت می‌ماند و به زبان هدف منتقل می‌شود (لاریسن ۱۹۸۴، فصل اول). این جریان در کار ترجمه، یک فرض بنیادی (basic assumption) است و به صورت زیر نمایش داده می‌شود.



اهمیت موضوع

آنچه در فرایند ترجمه از نظر این پژوهش حائز اهمیت است، پی بردن به این نکته است که آیا معادلهای صوری یا ساختاری ای بین زبانهای فارسی و انگلیسی یافت می‌شوند که به طور طبیعی، مکرر و با بسامد بالا در ترجمه انگلیسی به فارسی و بالعکس جایگزین یکدیگر شوند و به عنوان معادل ساختاری پایا و نسبتاً ثابت یکدیگر بر نهاده شوند و ضمن انتقال پیام‌های خود همیشه یا اکثر اوقات از نظر صوری معادل ترجمه‌ای و هم‌تراز یکدیگر باشند.

لازم به یادآوری است که تعادل صوری یا معادل ساختاری در ترجمه به این معنا نیست که لزوماً یک ساختار زبان انگلیسی در موقع ترجمه به فارسی، به ساختار کاملاً مشابه و همشکلی از زبان فارسی تعویض گردد، بلکه امکان دارد که مثلاً یک جمله مجهول انگلیسی همواره با یک جمله معلوم زبان فارسی معادل ترجمه‌ای

یکدیگر قرار گیرند، یا نوعی عبارت مصدری انگلیسی به کرات و به‌طور پایا به وسیله نوعی جمله‌واره توصیفی (relative clause) فارسی معادل ثابت قرار گیرد و یا مثلاً حرف اضافه «از» فارسی در ساختار خاصی جایگزین ثابتی برای حرف اضافه to انگلیسی بشود. بنابراین، منظور از «معادل صوری پایا» در این جا، ساختارهای معمولاً همسان یا غیرهمسان فارسی و انگلیسی هستند که می‌توانند به کرات و به‌طور پایا و با بسامد بالا در ترجمه بین این دو زبان جایگزین هم گردند. اهمیت دستیابی به چنین ساختارهای معادل، پایا و نسبتاً ثابت این است که یادگیری آنها به وسیله کارآموزان رشته مترجمی و حتی آشنایی با آنها توسط مترجمان آماتور و حرفه‌ای می‌تواند خود آگاهی، اعتماد به نفس و توان معادل‌یابی ساختاری را در آنان از دیاد بخشد تا آنها با معلومات از پیش پرداخته و آماده‌ای که از معادل‌های ترجمه‌ای به دست می‌آورند، کار ترجمه را با سهولت و صحت بیشتری به انجام رسانند. چه بسا برنامه پردازان ترجمه ماشینی نیز از کلیت‌ها و تعمیم‌هایی که از این طریق حاصل می‌شود، بتوانند قواعد سودمندی را برای برنامه‌های نرم افزاری خود استخراج کنند و بالاخره کار تدریس ترجمه و مکانیسم‌های آن برای مربیان این درس با استفاده از یافته‌های نمایه ترجمه، عملی‌تر و کارآمدتر شود.

### تعریف نمایه یا شاخص ترجمه

بنابر آنچه که در بالا گذشت، اکنون ما می‌توانیم به معرفی و حتی تعریف کلی نمایه ترجمه پردازیم. فرض (assumption) این مقاله این است که چنانچه بتوانیم یک سری مقوله صوری (جمله، جمله‌واره، عبارت، واژه و غیره که واحدهای دستوری یا ساختاری زبان هستند در هر دو زبان فارسی و انگلیسی) کشف کنیم که در کار ترجمه این دو زبان به‌طور مکرر، طبیعی و پایا معادل یکدیگر قرار گیرند و بتوانیم مجموعه قابل ملاحظه‌ای از این عناصر صوری را به عنوان مدخل‌های اصلی در یک لیست طولانی به صورت الفبایی تنظیم کرده، بر اساس روش «تطابق

صوری - معنایی» توصیف نماییم. مجموعه یا پیکره‌ای را که از این مدخل‌ها به وجود می‌آید به عنوان نمایه، شاخص یا راهنمای ترجمه قلمداد می‌کنیم. لذا می‌توان نمایه ترجمه را به صورت زیر تعریف کرد:

«نمایه ترجمه عبارت است از لیست طولانی (inventory) ای از مدخل‌های توصیف شده که مقوله‌های صوری یا ساختاری زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده و می‌توانند علی‌رغم محتوای خود در ترجمه بین فارسی و انگلیسی به طور پایا و طبیعی جایگزین هم گردند.»

#### پرسش تحقیق

سؤالی که به طور روشن و دقیق در این پژوهش مطرح می‌گردد این است که آیا در فرایند ترجمه متن‌های گوناگون انگلیسی به فارسی و بالعکس، فرم‌های صوری‌ای وجود دارند که علی‌رغم پیام‌های خود بتوانند به طور پایا و با بسامد بالا به وسیله مترجمان مختلف به صورت معادله‌های ترجمه‌ای طبیعی یکدیگر به کار برده شوند؟

#### فرضیه این پژوهش

برای دستیابی به پاسخ صحیح پرسش بالا و برای حفظ بی‌طرفی در کار تحقیق، این فرضیه (hypothesis) مطرح می‌گردد: «آنچه در فرایند ترجمه متن‌های مختلف زبان انگلیسی به فارسی و بالعکس به نظر می‌رسد، این است که هر بار که به کار ترجمه مبادرت می‌ورزیم، متن جدیدی با پیام‌ها و ساختارهای متفاوت در معرض ترجمه قرار می‌گیرد؛ یعنی ترکیب ساختاری و محتوای معنایی آن، ویژگی‌های خاص خود را دارد و هیچ شباهت ساختاری و معنایی به متون دیگری که قبلاً

ترجمه کرده‌ایم ندارد. لذا نمی‌توان از ترجمه متون انگلیسی به فارسی یا بالعکس ساختارهایی به دست آورد که به طور مکرر، کلیشه‌ای و ثابت، معادل ترجمه‌ای ساختارهای یکدیگر باشند، و چون امکان به وجود آمدن چنین معادل‌های ساختاری نیست لذا نمی‌توان تعمیم‌ها یا قواعد کلی‌ای به دست آورد که در ترجمه‌های بعدی، نمایه یا شاخص گردند و مترجمان را در کارهای بعدی خود راهنمایی کنند و یاری دهند.»

در این تحقیق سعی می‌شود ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم و توصیف مدخل‌های مربوطه، این فرضیه را بیازماییم و صحت و سقم آن را مشخص کنیم.

### شیوه بررسی

ابتدا لیست طولانی‌ای از الگوهای ساختاری و مقوله‌های صوری زبان انگلیسی تهیه می‌کنیم که شامل انواع گوناگون الگوهای جمله، جمله‌واره (clause)، عبارت (مصدری، وصفی، حرف اضافه‌ای، قیدی و غیره)، نظام شناختگی و نموده‌های آن، نظام زمان فعل، نظام قید، عبارات متممی (complements)، عبارات تعریفی (modifiers)، نظام کمیت نامشخص (unspecified quantities) اعم از مقدار یا تعداد، حروف اضافه، عوامل پیوند همپایه و وابسته، فعل‌های دوکلمه‌ای، فعل‌های مرکب و غیره باشد.

آنگاه هر یک از این الگوها یا مقوله‌های صوری را با معادل‌های ترجمه‌ای آن‌ها از زبان فارسی (یعنی همان معادل‌هایی که به وسیله مترجمان به کار برده شده یا می‌تواند به کار برده شود) بر اساس روش «تطابق صوری - معنایی» (formal-semantic correspondence) با یکدیگر مقابله و مقایسه می‌کنیم. و بالاخره چنانچه ساختار معادلی از زبان فارسی به کرات و با فراوانی زیاد یعنی بسامد بالا جایگزین ساخت به خصوصی از زبان انگلیسی یا بالعکس گردد و نسبت به هم حالت پایایی و نسبتاً ثابتی را در تعادل خود نشان دهند، آن ساختارها را

ضمن ارائه چند نمونه توصیف کرده، به عنوان یک مدخل در لیست طولانی نمایه ترجمه قرار می‌دهیم. زمانی که تعداد مدخل‌های این لیست به حد معتنا بهی رسید، از مجموع آنها یک نمایه ترجمه تکوین می‌یابد. اما این لیست یا نمایه هرگز کامل یا بسته نمی‌شود و همواره ممکن است ساخت‌ها یا مقوله‌های صوری جدیدی را که واجد شرایط مدخل شدن باشند پیدا کرد و به آن بیفزاییم.

### هدف

منظور عمده از بررسی و ارائه این مقاله بیان فرایند و نه ماحصل (process not product) یک نمایه ترجمه است و بیشتر به تبیین هدف از ایجاد یک نمایه ترجمه، شیوه توصیف مدخل‌های آن، و بالاخره چگونگی تکوین آن می‌پردازد و نه به ارائه نتایج قطعی آن، چرا که ماحصل یک نمایه ترجمه گنجایش یک یا چند جلد کتاب را خواهد داشت که به صورت فرهنگ الفبایی تنظیم و ارائه گردد. به هر حال، در این مقاله چند مدخل ساده به عنوان نمونه از لیست طولانی نمایه عرضه و توصیف می‌شود تا تعادل پایا و مکرر بین ساخت‌های مطروحه در هر مدخل نمایان گردد و امکان به وجود آمدن یک نمایه ترجمه به طور اجمال نشان داده شود.

### توصیف چند مدخل نمونه به روش تطابق صوری - معنایی

همان طور که در پیش ذکر شد، در گنجایش محدود ارائه یک مقاله، تنها به توصیف چند نمونه از مدخل‌هایی که می‌توان در لیست طولانی نمایه ترجمه قرار داد، می‌پردازیم و شمای کلی و چشم انداز جامعی از نمایه ترجمه را به دست می‌دهیم. برخی از این نمونه‌ها ممکن است برای بسیاری از دانشجویان آشنا باشند و بعضی تا حدودی نامأنوس و تازه، بهر حال سعی شده از ساخت‌ها و مقوله‌های صوری متنوع به طور اتفاقی نمونه‌هایی برگزیده و در این مقاله ارائه دهیم، به شرح

زیر:

**Entry 1: (sentence pattern) It to be N/Adj**

مدخل شماره ۱ نوعی الگوی جمله پایه است که با it شروع می‌شود. این it معنای ارجاعی به شیء خاصی مثل کتاب، مداد و غیره ندارد و یک واژه خالی، زاید (expletive) و جا پرکن است. فعل این جمله از نوع فعل to be است که معمولاً به زمان حال رخ می‌دهد. جمله‌هایی که در زبان انگلیسی با این الگو به کار می‌روند همواره برای بیان ساعت، تاریخ، فاصله، هوا، بیان هویت شخص، بیان وضعیت، و برای جایگزینی فاعل مصدری یا جمله‌واره‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. اکنون نمونه‌هایی از انگلیسی با معادل‌های ترجمه‌ای معمولی، طبیعی و مکرر آنها را در فارسی ملاحظه می‌کنیم.

1-It is 10.30 now.

۱- اکنون ساعت ده و نیم است. (اکنون ساعت ده و سی دقیقه است.)

2-It is Sep.12 today.

۲- امروز تاریخ دوازده سپتامبر است.

3-It is 600 kilometers from Tabriz to Tehran.

۳- فاصله تبریز تا تهران ۶۰۰ کیلومتر است. (از تبریز تا تهران ۶۰۰ کیلومتر (راه/فاصله) است.)

4-It is very hot/ cold/ rainy/ sunny/ windy/ cloudy today.

۴- امروز هوا خیلی داغ/ سرد/ بارانی/ آفتابی/ طوفانی/ ابری است.

5-It is very noisy in the next room.

۵- اتاق مجاور خیلی پر سرو صدا است.

6-It is Reza waiting at the entrance.

۶- رضا دم در ورودی منتظر است. (دم در ورودی رضا منتظر است.)

7-It is very dangerous to drive fast at nights.

۷- تند رانندگی کردن در شب خیلی خطرناک است. (خیلی خطرناک است که

شبهاتند رانندگی کنیم).

8-It is very sorrowful that John has left his wife.

۸- خیلی تأسف انگیز است که جان با همسرش متارکه کرده است.

به طوری که ملاحظه می شود در ساختارهای زبان فارسی، معادل متناظری برای ضمیر *it* یعنی «آن» وجود ندارد، اما مفهوم ضمنی (*implicit meaning*) آن در هر جمله انگلیسی به طور صریح (*explicitly*) در فارسی ذکر شده که در چهار جمله اول عبارتند از ساعت، تاریخ، فاصله و هوا اما در جمله های بعدی موضوع یا نهاد قرارگرفتن (*topicalization*) قید مکان (اطاق مجاور) و متمم فاعلی (رضا) معادل آن است و در دو جمله آخر معادل فارسی به صورت دو جمله واره پایه و پیرو متجلی شده اند. این ساخت های معادل فارسی تقریباً برای این الگوی انگلیسی در ترجمه های عادی و معمولی که سبک خاصی بر آنها اعمال نشود، جایگزین های مکرر و پایایی هستند.

**Entry 2: (sentence pattern) There to be NP (Place) ...**

این مدخل مربوط به طرح جمله ای در انگلیسی می باشد که باز هم با یک واژه زاید و بی معنا یعنی *there* شروع می شود که به فاعل کاذب (*dummy subject*) معروف است. این طرح جمله در انگلیسی معمولاً برای بیان دو نوع مفهوم یا ایده به کار برده می شود: یکی بیان مکانیت (*locality*) یک عامل یا شخص و دیگری برای بیان حضور یا وجود (*existence*) یک عامل یا شخص. چون نهاد این جمله منشأ فعالیت یا حرکتی نیست آن را به جای مکان اول جمله به مکان سوم و بعد از فعل *to be* می آورند و جای خالی نهاد را با کلمه زاید *there* پر می کنند که در این حالت کلمه ای بی معنا است.

معادل های ساختاری این الگوی جمله در فارسی نسبتاً محدود به بیان همین دو



مفهوم می‌شوند ولی از نظر صوری بیشتر قید مکان و یا فاعل واقعی آنها در رأس جمله قرار می‌گیرند و ساخت معمولی جمله فارسی را ایجاب می‌کنند. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

1-There is only one God in the whole universe.

۱- در تمام عالم هستی تنها یک خدا وجود دارد. (تنها یک خدا در تمام عالم هستی وجود دارد.)

2-There are three great pyramids on the west bank of the Nile.

۲- سه هرم بزرگ در ساحل غربی رودخانه نیل قرار دارند. یا (وجود دارند).  
یا در ساحل غربی رودخانه نیل سه هرم بزرگ وجود دارند.

3-There were about 50,000 on-lookers at the football match between the teams of Iran and U.S.A.

۳- حدود پنجاه هزار تماشاچی در مسابقه فوتبال ایران و آمریکا حضور داشتند. یا موقع مسابقه فوتبال ایران و آمریکا بیش از پنجاه هزار تماشاچی آمده بودند.

4-There is an apple tree in the front yard.

۴- در حیات جلو خانه درخت سیبی هست. یا (وجود دارد).  
در نمونه‌های بالا، به طوری که ملاحظه می‌شود جمله‌هایی از فارسی جایگزین معادل‌های انگلیسی خود می‌شوند که یا با نهاد واقعی جمله و یا با قید مکان شروع می‌شوند اما به هر حال کلمه زایدی در ساخت جمله فارسی نیست و ارکان اصلی جمله در ترتیب عادی خود قرار دارند و تمایزی را بین فاعلِ فعال یا غیر فعال نشان نمی‌دهند.

### Entry 3: (prepositional phrase of "for" as time expression)

مدخل شماره ۳ یک عبارت حرف اضافه‌ای را معرفی می‌کند که با for شروع

می شود و در جمله هایی که حاوی فعل با زمان حال کامل است، به کار برده می شود. در زیر چند نمونه از کاربرد این عبارت را با معادل های پایای آن در ترجمه به زبان فارسی ارائه می دهیم:

1-I have not smoked for several days.

۱- چند روز است که سیگار نکشیده ام.

2-My family have not been to Shiraz for ten years.

۲- خانواده من ده سال است که به شیراز نرفته اند. یا (ده سال است که خانواده من به شیراز نرفته اند).

3-We have known each other for at least five years.

۳- دست کم پنج سال است که ما یکدیگر را می شناسیم. یا (شناخته ایم).

4-The Smiths have lived in the same house for 23 years.

۴- افراد خانواده اسمیت بیست و سه سال است که در همین خانه زندگی می کنند. یا (می کرده اند).

در برابر عبارت حرف اضافه ای انگلیسی که قید زمان جمله خود به حساب می آید، یک جمله واره فارسی معادل قرار می گیرد که فاعل آن ضمیر محذوف و ضمنی «آن» است که در جمله فارسی ذکر نمی شود و عبارت اسمی که در انگلیسی تابع حرف اضافه for است در ساخت جمله فارسی متمم فاعلی جمله واره اصلی قرار می گیرد که به دنبال آن بقیه جمله انگلیسی به صورت جمله واره تابعی در می آید و این دو ساختار در انگلیسی و فارسی معادل پایا و مکمل یکدیگر هستند.

**Entry 4: (adverbial clause of time + past participle tense)**

مدخل شماره ۴ نوعی جمله مرکب زبان انگلیسی را نشان می دهد که در آن دسته ای از جمله واره های قیدی رخ می دهد که اکثراً فعل آنها به صورت زمان گذشته کامل (ماضی بعید) است. ساختاری از زبان فارسی که در ترجمه جایگزین این

دسته از قیود زمان انگلیسی می‌شود در زیر ملاحظه می‌گردد:

1-Parvin finished her homework before she had gone to school.

۱- پروین پیش از این که به مدرسه برود تکالیفش را تمام کرده بود.

یا پروین پیش از رفتن به مدرسه تکالیفش را انجام داده بود.

2-Before I got there, they had already discussed several important matters.

۲- قبل از این که من به آنجا برسم، آنها چندین مطلب مهم را مورد بحث قرار داده بودند.

یا پیش از رسیدن من به آنجا، آنها چندین موضوع مهم را مورد بحث قرار داده بودند.

3-Mr Smith was never ill in his life until he had gone into jungles.

۳- آقای اسمیت تا زمانی که به جنگل نرفته بود مریض نشده بود.

یا آقای اسمیت تا زمان رفتن به جنگل مریض نشده بود.

4-The secretary did not leave until she had finished her work.

۴- دفتر دار تا زمانی که کارش را تمام نکرده بود به منزل نرفت.

یا منشی تا تمام کردن کارش به منزل نرفته بود.

در تمام موارد بالا، معادل جمله‌واره قیدی زبان انگلیسی می‌تواند با دو ساختار متفاوت فارسی جایگزین شود: یکی جمله‌واره قیدی متناظر و دیگری عبارت حرف اضافه‌ای که گروه اسمی آن خود از یک عبارت مصدری ساخته شده است و معادل پایا و مکرر همتای انگلیسی خود قرار می‌گیرد.

#### Entry 5: (past-perfect continuous tense)

این الگوی جمله در زبان انگلیسی از دو جمله‌واره پایه و پیرو برخوردار است که اولی در برگیرنده فعل ماضی بعید استمراری بوده و دیگری کلاً در حکم قید زمان

است. اکنون ببینیم معادل‌های ترجمه‌ای آن در فارسی چگونه است.

1-Reza had been trying to get her on phone all the morning before she flew to Shiraz.

۱- رضا در تمام صبح، تلاش می‌کرد پیش از این که آن خانم به شیراز پرواز کند با او تلفنی تماس بگیرد.

2-We had been playing tennis before it started to rain.

۲- ما پیش از شروع باران تنیس بازی می‌کردیم.

3-They had been planning for a long time before they moved to the suburbs.

۳- آنها پس از که به حومه شهر نقل مکان کنند مدت‌ها فکر می‌کردند.

4-The children had been fighting for sometime before their mother separated them.

۴- بچه‌ها پیش از این که مادرشان آن‌ها را از هم جدا کند مدتی مشغول دعوا بودند.

در تمام مثال‌های بالا، به طوری که مشهود است، ساخت جمله فارسی‌ای که به طور طبیعی و متداول جایگزین جمله انگلیسی می‌شود از فعل ماضی استمراری برخوردار است و علاوه بر قسمتهای کلیشه‌ای دیگر که در مدخل شماره ۴ ذکر شده، جملات ماضی استمراری فارسی به طور پایا جایگزین جمله‌های ماضی بعید استمراری انگلیسی می‌شوند.

#### Entry 6: conjunctive adverb+infinitive phrase)

در مدخل شماره ۶، سازه‌هایی از فارسی را بررسی می‌کنیم که می‌توانند در ترجمه جایگزین پایایی از گونه‌ای از عبارات مصدری انگلیسی شوند. عبارات مصدری در ساخت جمله‌های انگلیسی می‌توانند در سه نقش متمایز اسمی،

وصفی و قیدی به کار روند و تازه در هر نقش منفرد خود موجد الگوهای متفاوتی گردند که آشنایی با آنها برای زبان‌آموزان ایرانی و به خصوص کارآموزان ترجمه بسیار حائز اهمیت است.

ما در این جا الگویی را بررسی می‌کنیم که عبارت مصدری در آن بعد از قیود ربطی قرار می‌گیرد:

1-They told me where to meet the manager.

۱- آنها به من گفتند (که) کجا مدیر را ملاقات کنم.

2-Please show me how to open this box.

۲- لطفاً به من یاد بدهید که چگونه این جعبه را باز کنم.

3-I don't know when to meet the teacher.

۳- من نمی‌دانم چه موقع معلم را ملاقات کنم.

4-They don't know where to get the tickets.

۴- آنها نمی‌دانند که از کجا بلیط تهیه کنند.

در برابر تمام جمله‌های انگلیسی که حاوی یک عبارت مصدری است و به دنبال یک قید ربطی آمده است یک جمله‌واره پیرو فارسی جایگزین شده است و واژه‌های کجا، چگونه، چه موقع، و از کجا قیود ربطی هستند که در رأس جمله‌واره‌های خود قرار گرفته اند.

#### Entry 7: (Adj+ infinitive phrase)

در این مدخل نوعی عبارت مصدری بلافاصله بعد از یک صفت مسندی (predicative adjective) ظاهر شده و آن را تعریف می‌کند و به نحوی منظور و علت آن صفت را بیان می‌دارد. شبیه جمله‌های زیر:

1-I am happy to help you.

۱- من از کمک (کردن) به شما خوشحال می‌شوم.

2-They will be pleased to meet you.

۲- آنها از ملاقات شما خوشنود می شوند.

3-She was surprized to receive John's letter.

۳- او از دریافت نامه جان شگفت زده شد.

در فرایند ترجمه جمله های انگلیسی بالا، یک عبارت حرف اضافه ای فارسی که به طور پایا با حرف اضافه «از» شروع می شود، جایگزین عبارت مصدری انگلیسی می شود و یک تعادل ترجمه پایایی را بین این دو زبان به وجود می آورد.

**Entry 8: (predicative adj. + pre. phrase + Infinitive phrase)**

در مدخل شماره ۸ الگوی جمله ای به صورت زیر مطرح می گردد که فاعل آن همان واژه زاید (expletive) یعنی «it» است، فعل آن یک رابطه (to be) است که به دنبال خود به ترتیب یک صفت مسندی یک عبارت حرف اضافه ای

**Pattern: It to be Adj PP + Infinitive**

و یک عبارت مصدری می گیرد (فلاحی ۱۳۷۰). این ساخت جمله انگلیسی معادل ترجمه ای پایایی در فارسی دارد که در نمونه های زیر ملاحظه می گردد، عبارت حرف اضافه ای در واقع عامل (فاعل) همان مصدر است:

1-It was silly of me to behave like that.

۱- احمق بودم که این طور رفتار کردم.

2-It was nice of you to come on time.

۲- لطف کردید که به موقع آمدید.

3-It was kind of you to visit me in the hospital.

۳- لطف کردید که در بیمارستان به ملاقات من آمدید.

4-It was generous of you to give all that money to the blind man.

خیلی سخاوتمندانه رفتار کردید که تمام پول را به آن مرد روشن دل دادید.

در تمام نمونه های بالا، گرچه جمله های انگلیسی از یک جمله واره پایه درست

شده‌اند اما معادل‌های جایگزینی آنها به فارسی تماماً از دو جمله‌واره پایه و پیرو ساخته شده‌اند که جمله‌واره پیرو، معادل عبارت مصدری انگلیسی است.

**Entry 9: (sentence pattern: NP Verb + Infinitive ...)**

در این مدخل یک فعلی به اصطلاح آغازی داریم که معمولاً به دنبال خود یک مصدر می‌پذیرد. فعل آغازی همیشه برای زمان، شخص و شمار صرف می‌گردد ولی مصدر صورت ثابتی دارد. بررسی معادل ترجمه‌ای این ترکیب از زبان فارسی بسیار جالب است. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

1-We expect to receive his letter in a few weeks.

۱- انتظار داریم که نامه او را ظرف چند هفته آینده دریافت کنیم.

2-We hope to improve this machine in the near future.

۲- امیدواریم که در آینده نزدیک این دستگاه را تبدیل به احسن بکنیم.

3-The young couple decided to go out for the dinner.

۳- آن زوج جوان تصمیم گرفتند (که) برای صرف شام به رستوران بروند.

4-He always manages to assign the easiest tasks.

او همیشه ترتیبی می‌دهد (موفق می‌شود) که آسان‌ترین تکالیف را تعیین کند. چنانچه از مقایسه و بررسی جمله‌های بالا به خوبی مشخص می‌شود، به جای هر یک از عبارات مصدری انگلیسی یک جمله‌واره اسمی فارسی (که با وابسته ساز «که» شروع می‌شود) جایگزین گردیده است که معادل‌های ثابت یکدیگر قرار می‌گیرند و مدخل مناسبی را در نمایه ترجمه به وجود می‌آورند.

**Entry 10: (preposition as a formal category)**

در این مدخل یک مقوله صوری به نام حرف اضافه مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی افعال در جمله، حرف اضافه خاصی را در هم نشینی و به دنبال خود ایجاب می‌کنند. گروهی از این افعال چه در فارسی و چه در انگلیسی حرف اضافه

همانندی را به دنبال خود می‌پذیرند، شبیه نمونه‌های زیر:

1-This house belongs to my brother.

۱- این خانه به برادر من تعلق دارد. یا (این خانه متعلق به برادر من است.)

2-The boys are playing with a tennis ball.

۲- بچه‌ها دارند با توپ تنیس بازی می‌کنند.

3-He suffers from loneliness.

۳- او از تنهایی رنج می‌برد.

اما همیشه مقوله‌های صوری فارسی به همین سادگی جایگزین مقوله‌های مشابه خود در انگلیسی نمی‌شوند و عبارت‌های حرف اضافه‌ای زیادی در انگلیسی هستند که در جریان ترجمه به فارسی، با حرف اضافه‌های غیر یکسان و متفاوتی جایگزین می‌شوند تا ترجمه آنها طبیعی، عادی و صحیح انجام گیرد. برای شناخت این حروف اضافه انگلیسی و معادل‌های پایا و نسبتاً ثابت آنها از فارسی، چند مثال آورده می‌شود.

1-I apologized to him.

۱- من از او معذرت خواستم.

2-You can't rely on his assistance.

۲- نمی‌توان به کمک او اعتماد کرد.

3-He will interfere with your business.

۳- او در کار تو دخالت می‌کند.

4-He doesn't care for your business affairs.

۴- او به امور شغلی تو اهمیتی نمی‌دهد. یا (او برای امور شغلی تو اهمیتی قابل

نیست.)

5-She always complains about the shortcomings of our life.

او همیشه از کاستی‌های زندگی‌مان شکوه می‌کند.



انتخاب این نوع حرف اضافه‌های متداول در زبان فارسی و جایگزینی آنها برای حرف اضافه‌های انگلیسی، در فرایند ترجمه جمله‌های این زبان به فارسی مشکلات چندانی را به وجود نمی‌آورد، لکن در جریان ترجمه از فارسی به انگلیسی تسلط مترجم به زبان انگلیسی لازم است تا حروف اضافه فارسی را به اشتباه به زبان انگلیسی تداخل ندهد و ترجمه‌های غلطی به انجام نرساند.

**Entry 11: (+/-- preposition)**

در این مدخل نیز افعالی را از زبان انگلیسی مورد توجه قرار می‌دهیم که همیشه به صورت متعدی به کار برده می‌شوند و از یک مفعول صریح یا بیواسطه برخوردارند؛ در صورتی که معادل‌های همین افعال در زبان فارسی مفعول حرف اضافه‌ای می‌پذیرند و معادل پایا و ثابت مفعول بیواسطه انگلیسی قرار می‌گیرند. توجه به این گونه افعال، هم برای زبان‌آموزان و هم برای مترجمان این دو زبان (انگلیسی و فارسی) حائز اهمیت است. اکنون به مثال‌های زیر نظر می‌افکنیم:

1-The Spanish student answered all the questions the teacher asked.

۱- دانشجوی اسپانیایی به تمام پرسش‌های معلم پاسخ داد.

2-Our baby fears the darkness of night.

۲-- کودک ما از تاریکی شب می‌ترسد.

3-Last year, my son married an ideal girl.

۳- سال گذشته پسر من با دختر ایده‌آلی ازدواج کرد.

شمار دیگری از افعال انگلیسی که بر اساس الگوی فوق متعدی اند و همواره مفعول بی‌واسطه می‌پذیرند عبارتند از: enjoy, fight, hate, esteem, attack, avoid, face, oppose, doubt و غیره.

نتیجه :

به طوری که از تطابق صوری - معنایی یک تعداد ساختارها و مقوله‌های صوری

انگلیسی با معادل‌های ترجمه‌ای آنها در فارسی (در هیبت مدخل‌های نمایه ترجمه) ملاحظه گردید، یک سری از ساختارها و مقوله‌های صوری انگلیسی می‌توانند دارای معادل‌های پایا و نسبتاً ثابتی در زبان فارسی باشند و به خوبی می‌توان از همین تعداد محدود مدخل که در این مقاله به عنوان نمونه و مثال توصیف گردیدند، نتیجه‌گیری کرد که تعداد ساختارهای نحوی و مقولات دستوری که به طور بالقوه می‌توانند در ترجمه زبان انگلیسی به فارسی و بالعکس با فراوانی زیاد معادل پایا و نسبتاً ثابت یکدیگر قرار گیرند معتنابه بوده و به میزانی می‌رسند که می‌شود لیست طولانی‌ای از آنها فراهم آورد و به صورت یک نمایه (شاخص یا راهنمای) ترجمه تدوین نمود و مورد استفاده قرار داد.

در هر مدخل از نمایه ترجمه دست کم سه - چهار مثال از ساختار یا مقوله دستوری یکسان با معانی یا پیام متفاوت ارائه شده تا حالت تکرار، پایایی و فراوانی نسبی آن را به طور عینی نشان دهد و لذا الگوی پایایی هر مدخل، یک الگوی انتزاعی به حساب می‌آید که می‌تواند برای تعداد نامحدودی از نمودهای آن الگو در نظر گرفته شود.

حقیقتی را که در این جا نمی‌توان کتمان کرد و نباید از نظر دور داشت این است که یک مترجم توانمند می‌تواند در فرایند ترجمه، یک پیام زبان منبع را به فرمهای متنوع و متفاوتی از زبان هدف برگرداند ولی او برحسب سلیقه خود و سبک و سیاق متن مورد ترجمه یکی را برمی‌گزیند و به کار می‌گیرد. به دیگر سخن، پیام زبان منبع که از درون قالب آن بیرون کشیده می‌شود، در دست یک مترجم زنده به خصوص مترجم ادبی مانند مومی است که تا آنجا که به کمیت پیام لطمه‌ای وارد نشود - می‌تواند به هر شکل و اسلوبی درآید و به اصطلاح تکنیکی فرایند ترجمه، تأویل‌های (skewings) مختلفی بر آن پیام اعمال گردد و در نتیجه در شکل‌ها و ساختارهای مختلف قالب ریزی و بازسای شود.

اکنون ممکن است این پرسش مطرح شود که در توصیف یک مدخل، مسأله تأویل را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ گرچه مسأله تأویل مبحث مستقلی را می‌طلبد، لکن در این جا به اجمال اذعان می‌داریم که فرایند تأویل با اصول پایایی معادل‌های ترجمه مغایرتی نمی‌تواند داشته باشد و بحث نمایه ترجمه را مختل نمی‌سازد.

در خاتمه لازم به ذکر است که فرضیه‌ای که در آغاز بحث مطرح گردید بدین مضمون بود: «نمی‌توان از ترجمه متون مختلف انگلیسی به فارسی یا بالعکس ساختارها یا مقوله‌های صوری‌ای به دست آورد که به طور مکرر، کلیشه‌ای، پایا و نسبتاً ثابت، معادل ساختاری یا معادل مقوله‌های صوری یکدیگر باشند و نیز نمی‌توان از آنها قواعد کلی‌ای انتزاع کرد که برای ترجمه‌های بعدی، نمایه یا شاخص گردد و مترجمان را در کار ترجمه خود راهنمایی کند و یاری بخشد.»

این فرضیه طبق مدخل‌های تعریف شده و نتایج حاصله‌ای که از تعادل‌های تکراری، پایا و ثابت به دست آمد به خودی خود رد شد و خلاف آن ثابت گردید. هم‌چنین پرسش تحقیق که در آغاز سخن مطرح شد، به پاسخ مثبت خود رسید که در فرایند ترجمه متن‌های گوناگون انگلیسی به فارسی و بالعکس فرم‌های ساختاری و مقوله‌های صوری‌ای وجود دارند که علی‌رغم پیام‌های مختلف خود می‌توانند به طور پایا و با بسامد بالا معادل هم قلمداد شوند و به وسیله کارآموزان ترجمه، مدرسان ترجمه و حتی مترجمان آماتور و حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرند.

#### منابع:

- 1-Bell, R. (1991). *Translation and translating*. New York: Longman.
- 2-de Warrd, J. and Nida, E. (1986) *From one language to another*. New York: Thom Nelson Publisher.
- 3-Fallahi, M. (1991). *Contrastive linguistics and analysis of errors*. Vol. I. Tehran: Iranian University Press.

- 4-Hervey, S. and Higgins. (1992). **Thinking translation: a course in translation method.** EF. London or New York: Routledge.
- 5-Larsen, Mildren. L. (1984). **Meaning-based translation.** New York University Press of America.
- 6-Newmark, P. (1988). **Approaches to translation.** London. Prentice-Hall.